

آیه ۷۴ تا ۷۹ سوره انعام

(آیه ۷۴) - از آنجا که این سوره جنبه مبارزه با شرك و بت پرستی دارد، در اینجا به گوشه‌ای از سرگذشت ابراهیم، قهرمان بت‌شکن اشاره کرده، می‌گوید:

ابراهیم پدر (عموی) خود را مورد سرزنش قرار داد و به او چنین «گفت: آیا این بت‌های بی‌ارزش و موجودات بی‌جان را خدایان خود انتخاب کرده‌ای؟! (وَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ أَرَأَىٰ أَن تَتَّخِذَ أَصْنَامًا آلِهَةً).

«بدون شك من، تو و جمعیت پیروان و هم مسلکان تو را در گمراهی آشکاری می‌بینم» (إِنِّي أُرَاكَ وَ قَوْمَكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ).

چه گمراهی از این آشکارتر که انسان مخلوق خود را معبود خود قرار دهد، و موجود بی‌جان و بی‌شعوری را پناهگاه خود بیندارد و حل مشکلات خود را از برگزیده تفسیر نمونه، ج ۱، ص: ۶۱۴ آنها بخواهد.

جمعی از مفسران سنی، آزر را پدر واقعی ابراهیم می‌دانند، در حالی که تمام مفسران و دانشمندان شیعه معتقدند آزر پدر ابراهیم نبود، بعضی او را پدر مادر و بسیاری او را عموی ابراهیم دانسته‌اند.

(آیه ۷۵) - دلایل توحید در آسمانها! در تعقیب نكوهشی که ابراهیم از بت‌ها داشت، قرآن به مبارزات منطقی ابراهیم با گروه‌های مختلف بت پرستان اشاره می‌کند نخست می‌گوید: «همانطور که ابراهیم را از زیانهای بت پرستی آگاه ساختیم همچنین مالکیت مطلقه و تسلط پروردگار را بر تمام آسمان و زمین به او نشان دادیم» (وَ كَذَلِكَ نُرِي إِبْرَاهِيمَ مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ).

و در پایان آیه می‌فرماید: «و هدف ما این بود که ابراهیم اهل یقین گردد» (وَ لِيَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ).

شك نیست که ابراهیم یقین استدلالی و فطری به یگانگی خدا داشت، اما با مطالعه در اسرار آفرینش این یقین به سر حد کمال رسید.

(آیه ۷۶) - از این به بعد موضوع فوق را بطور مشروح بیان کرده و استدلال ابراهیم را از افول و غروب ستاره و خورشید بر عدم الوهیت آنها روشن می‌سازد.

می‌گوید: «هنگامی که پرده تاریک شب جهان را در زیر پوشش خود قرار داد ستاره‌ای در برابر دیدگان او خودنمایی کرد، ابراهیم صدا زد این خدای من است! اما به هنگامی که غروب کرد با قاطعیت تمام گفت: من هیچ گاه غروب کنندگان را دوست نمی‌دارم» و آنها را شایسته عبودیت و ربوبیت نمی‌دانم (فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ رَأَىٰ كَوْكَبًا قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَا أَحِبُّ الْأَفْلِينَ).

(آیه ۷۷) - بار دیگر چشم بر صفحه آسمان دوخت، این بار قرص سیم‌گون ماه با فروغ و درخشش دلپذیر خود بر صفحه آسمان ظاهر شده بود «هنگامی که ابراهیم ماه را دید، صدا زد این است پروردگار من! اما سر انجام ماه به سرنوشت همان ستاره گرفتار شد و چهره خود را در پرده افق فرو کشید، ابراهیم جستجوگر گفت: اگر پروردگار من، مرا به سوی خود رهنمون نشود در صف گمراهان قرار برگزیده تفسیر نمونه، ج ۱، ص: ۶۱۵

خواهم گرفت» (فَلَمَّا رَأَى الْقَمَرَ بَازِغًا قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَئِن لَّمْ يَهْدِنِي رَبِّي لَأَكُونَنَّ مِنَ الْقَوْمِ الضَّالِّينَ).

(آیه ۷۸) - در این هنگام شب به پایان رسیده بود و پرده‌های تاریک خود را جمع کرده و از صحنه آسمان می‌گریخت، خورشید از افق مشرق سربرآورده و نور زیبا و لطیف خود را همچون یک پارچه زر بافت بر کوه و دشت و بیابان می‌گسترده، «همین که چشم حقیقت‌بین ابراهیم بر نور خیره‌کننده آن افتاد صدا زد خدای من این است؟! این که از همه بزرگتر و پرفروغتر است!، اما با غروب آفتاب و فرو رفتن قرص خورشید (در دهان هیولای شب، ابراهیم آخرین سخن خویش را ادا کرد و) گفت: ای جمعیت، من از همه این معبودهای ساختگی که شریک خدا قرار داده‌اید بیزارم» (فَلَمَّا رَأَى الشَّمْسَ بَازِغَةً قَالَ هَذَا رَبِّي هَذَا أَكْبَرُ فَلَمَّا أَفَلَتْ قَالَ يَا قَوْمِ إِنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ).

(آیه ۷۹) - اکنون که فهمیدم در ماورای این مخلوقات متغیر و محدود و اسیر چنگال قوانین طبیعت، خدایی است قادر و حاکم بر نظام کائنات «من روی خود را به سوی کسی می‌کنم که آسمانها و زمین را آفرید و در این عقیده خود کمترین شرک راه نمی‌دهم، من موحد خالصم و از مشرکان نیستم» (إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلدِّينِ فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ حَنِيفًا وَ مَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ).

در این که چگونه ابراهیم موحد و یکتاپرست، به ستاره آسمان اشاره کرده و می‌گوید: «هذا ربِّي» (این خدای من است) باید بگوییم ابراهیم (ع) این را به عنوان یک خبر قطعی نگفت، بلکه به عنوان یک فرض و احتمال برای تفکر و اندیشیدن، این سخن را بر زبان جاری کرد.

و یا مفهوم آن این است که «به اعتقاد شما این خدای من است».